خبرهای جدید خاله‌سارا

خاله‌سارای برنامه «رنگین‌کمان» را یادتان هست؟ همان خاله مهربانی که جزو اولین خاله‌های تلویزیونی بود و بچه‌ها دوستش داشتند و از هر راهی می‌خواستند وارد برنامه او شوند و خاله‌سارایشان را از نزدیک ببینند و با او عکس بگیرند. خاله‌سارا یا سارا روستاپور خبرهای جدیدی برای طرفدارانش دارد. بدنیست بدانید که در نظرسنجی برنامه‌های نوروز ۱۴۰۱ توانست سومین مجری برتر زن شناخته شود. او درباره سری جدید «مهدپویا» و «پاشوپاشوکوچولو» در گفت‌وگویی که با یکی از رسانه‌ها دارد، عنوان می‌کند: مهدپویا یک برنامه ویژه خردسالان است که آموزش‌های مهدکودک و پیش‌دبستانی را برای سومین سال متوالی به کودکان و مادران‌شان آموزش می‌دهد. امسال برنامه روی دوره پیش‌دبستانی متمرکز شده تا بچه‌هایی که در این سال‌ها به مهدکودک نرفته‌اند، به آنها آموزش بدهیم. در حال پیش‌تولید فصل جدید این برنامه هم هستم که از اول مهر ۱۴۰۱ روی آنتن می‌رود.

بهاری میزبان «خوشنام»ها شد

م بخندانیم

بازیگران، تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده سریال رمضانی «خوشنام» | عکس: مجید آزاد | جام جم

فقط به این موضوع نپرداخت و در کنارش به معضلات اجتماعی هم اشاره داشت تا رنگ و لعاب زندگی شخصیت‌های قصه کاملا برای مردم قابل لمس باشد. نجف‌زاده در تازه‌ترین اثرش به‌نام «خوشنام» زندگی شخصی به نام شهرام (هومن حاجی‌عبداللهی) را به تصویر کشیده که درگیر ماجراهای متفاوتی می‌شود. این سریال که با شروع ماه رمضان از شبکه یک پخش می‌شود توانسته نظر بسیاری از مخاطبان را جلب کند. بنابراین در یکی از روزهای بهاری، روزنامه جام جم میزبان خوشنامی‌ها شد. در نشست این سریال تلویزیونی احمد زالی تهیه‌کننده، علیرضا نجف‌زاده کارگردان، فهیمه سلیمانی نویسنده، هومن حاجی‌عبداللهی، فریده سپاه‌منصور، نیلوفر رجایی‌فر، امیر غفارمنش و امیر کربلایی‌زاده بازیگران و مجتبی احمدی، مشاور رسانه‌ای سریال حضور داشتند. گپ‌وگفت ما را با خوشنامی‌ها می‌خوانید. ضمنا می‌توانید با اسکن بارکدهای موجود در این دو صفحه فیلم‌های بخش‌هایی از این نشست را مشاهده کنید.

شهرام، لات ۱۴۰۱ است

با اسکن این کد با موبایل خود فیلم مصاحبه را مشاهده کنید

هومن حاجی‌عبداللهی همان صاحب‌صدای شیرین عروسک پنگول، سابقه سال‌ها اجرا، گویندگی و بازی دارد اما چند سالی است بیشتر از همیشه با ایفای نقش‌های مختلف، میان مخاطبان به محبوبیت رسیده است. نقش روحانی در سریال نون خ-۱، رحمت در مجموعه پایتخت و حالا شهرام در سریال رمضانی خوشنام از کارهایی است که او را در قامت بازیگر بیش از پیش به بینندگان تلویزیون معرفی کرد. با او که در نشست نقد و بررسی سریال حاضر شد، درباره نقش تازه‌اش که یک جوان ناخلف اما در مسیر تحول است، گپ زدیم.

در این سریال می‌بینیم شخصیت شهرام خیلی بالا و پایین دارد. مثلا در یک سری از صحنه‌ها شرافت به خرج می‌دهد و در برخی لحظات دزدی می‌کند. این تغییرات گاهی در چند ثانیه اتفاق می‌افتد. ما به‌ازایی برای او با چنین تغییراتی داشتید؟

اول از همه توضیح دهم که شهرام یک شخصیت جدی است و ما اصلا قصد نداشتیم طنز کار کنیم و یک شخصیت بامزه بیافرینیم. در زندگی شهرام مثل همه آدم‌ها اتفاقات کمدی هم می‌افتد اما شهرام خیلی جدی با آنها برخورد می‌کند. به نظرم اتفاقا اگر جدی با این موقعیت‌ها برخورد شود، طنز ماجرا بیشتر دیده می‌شود. خیلی‌ها گفتند شهرام لات نیست. پرسیدم چرا؟ گفتند چون پیراهن جذب مشکی تنش نیست. ریش‌ها از خط ریشش درنیامده است و.... پاسخ دادم شهرام قرار نبوده یک لات کلیشه‌ای باشد. قرار نبود لحن و مدل راه رفتنش مثل خیلی از لات‌هایی باشد که دوستان دیگر بازی کردند. شهرام لات ۱۴۰۱ است. آدمی شرور که ممکن است مشابهش را در اطرافیان‌مان هم دیده باشیم. کسی که هم از دستش عاصی هستند و نمی‌دانند با او چه کار کنند. او خودش هم از دست خودش عاصی است، اما افتاده در مسیری که نمی‌داند برای بیرون آمدن از آن باید چه کار کند. شهرام از سیاره دیگری نیامده است و ما به‌ازای آن وجود دارد.

پس نمونه‌هایی در ذهنتان بود؟

صددرصد. من بچه جنوب شهرم. دوراهی قپان به دنیا آمدم و تا ۹ سالگی ساکن خیابان نواب بودم. از این آدم‌ها زیاد دیدم. به جز کردارشان، فرق زیادی با بقیه نداشتند. درباره‌شان خوانده و فیلم‌هایی هم تماشا کرده بودم. از بهمن ۹۹ به من پیشنهاد شد در این سریال نقش فریدون را بازی کنم اما آقای نجف‌زاده لطف کردند و به من پیشنهاد دادند نقش شهرام را بازی کنم. من هم خیلی دنبال موقعیت برای بازی کردن یک کار جدی بودم. البته با تعمق، این نقش را پذیرفتم و درباره راه رفتن، گریه کردن، دعوا کردن، حرف زدن و... آدمی مثل شهرام خیلی فکر و مطالعه کردم. در ادامه پاسخ به سوالتان باید بگویم شهرام هم مثل من و شما یک آدم عادی است. عصبانی می‌شود؛ حتی ممکن است در عصبانیت لبخند بزند؛ کسی آرامش می‌کند و... همه اینها ما به‌ازای بیرونی دارد. نقش آدم غیرعادی و خیلی نامتعارفی را بازی نکردم. سعی کردم تا جایی که می‌توانم بازی‌ام به اصطلاح چرب و گل درشت نباشد.

اما تفاوت میزان خوبی و بدی در او بسیار زیاد است و باورپذیری را برای مخاطبان سخت می‌کند. لحظه‌ای می‌خواهد ماشین بزند و چند ثانیه بعد کار خیر می‌کند.

افرادی مثل خفاش شب هم ممکن است شب کنار خانواده شام بخورند و خدا را شکر کنند. بعد هم بگویند الهی به امید تو و از خانه خارج شوند و زنان را خفه کنند. شهرام پول ندارد و می‌خواهد دزدی کند اما یک سری اعتقادات از بچگی در وجودش هست. خانواده مذهبی و نمازخوان دارد. پس موقع دزدی، به خاطر باورهایش وقتی نام امام‌رضا را می‌بیند، بی‌خیال می‌شود. این استحاله ممکن است برای هر کسی اتفاق بیفتد.

گفتید خیلی دنبال چنین موقعیتی در بازیگری بودید. حالا که نتیجه کار را می‌بینید همان چیزی هست که مدنظر داشتید؟

به نظرم هر شخصی، چه بازیگر، چه کارگردان، چه نویسنده و چه هر کسی که یک اثر هنری خلق می‌کند اگر همیشه از کارهایش صددرصد راضی باشد، دیگر کار نمی‌کند. چیزی که باعث می‌شود کار کنیم، این است که قلق‌گیری‌های آثار گذشته را انجام دهیم و هر دفعه کاری بهتر کنیم. تمام آن تصوری که از شهرام داشتم اتفاق نیفتاد. در هیچ کاری اتفاق نمی‌افتد. اگر چنین بود می‌گفتم دیگر ارضای روحی شدم و می‌رفتم سراغ شغل دیگری. کار به آنچه درباره این شخصیت فکر می‌کردم ۶۰ تا ۷۰ درصد نزدیک است. خودم را که در این سریال می‌بینم زیاد اذیت نمی‌شوم و خجالت نمی‌کشم. با بازخوردهایی که بیرون از مردم می‌گیرم یا در صفحه اینستاگرامم هست، امیدوار می‌شوم به آنچه می‌خواستیم نزدیک شدیم. همین الان که داشتم می‌آمدم آقایی در خیابان گفت دمت گرم! دیشب خیلی با حال گریه کردی!

صحنه سخنرانی شهرام در کارخانه غافلگیرکننده بود. مخاطبان این شخصیت را معمولا در زد و خورد دیده بودند و حالا از او سخنرانی آرامی می‌شنیدند. حفظ راکورد بازی در این بالا و پایین‌های حسی چقدر برایتان چالش برانگیز بود؟

اگر شما توقع نداشتید به خاطر این است که شهرام را تیپ می‌بینید. شهرام یک شخصیت است که مثل همه آدم‌ها بالا و پایین دارد. هشت ماه و خرده‌ای است ما سر این کار هستیم. حفظ راکوردها کار بسیار سختی است. صحنه‌ای را آذر ماه گرفتیم که از سرما، بخار از دهانمان بیرون می‌آمد. سکانس بعد از آن را هفته پیش در باشگاه سوارکاری گرفتیم. با تعاملی که با آقای نجف‌زاده و منشی صحنه داشتیم به یادمان می‌آورند که قبلش این سکانس است و بعدش هم قرار است فلان اتفاق بیفتد. مرور ذهنی داشتیم و اگر لازم بود راش هم می‌دیدیم.

بداهه هم داشتید؟

اگر جایش بود بداهه هم می‌گفتم. تکیه‌کلام‌های ریزی به کار بردم. استفاده ابزاری از کلام که چنین آدم‌هایی معمولا در زندگی‌شان دارند ولی در کل خیلی به متن وفادار بودیم.

معمولا رویه کاریتان این است که به متن وفادار بمانید؟

صددرصد. نمی‌توانم یک سریال را به صورت بداهه بازی کنم و باید خط اصلی قصه را حفظ کرد.

البته بازیگران به ویژه کمدین‌ها وفاداری کمتری به متن دارند.

کمدی هم که باشد با وفاداری به فیلمنامه می‌توان جلو رفت. بداهه در حد تکیه‌کلام می‌تواند باشد. در پایتخت هم ۹۰ درصد به متن وفادار بودیم اما هرکدام از شخصیت‌ها تکیه‌کلام‌ها و رنگ مخصوص به خود را داشتند که به کار کمک می‌کرد.

آقای نجف‌زاده به عنوان کارگردان چقدر بداهه‌گویی را می‌پذیرفتند؟

خیلی خوب. واقعا از کار با او لذت بردم. صبوری بیش از حد یکی از خصیصه‌های اوست. من دوسه بار در این چند ماه به هم ریختم و او مرا آرام کرد.

گریم و لباس چقدر کمک کرد تا به شخصیت شهرام نزدیک‌تر شوید؟

قطعا خیلی کمک می‌کند. اگر موهای بلند و ریش‌های سه‌تیغ بود خودم هم خودم را باور نمی‌کردم. شهرام خلج تست زد و علیرضا نجف‌زاده و من هم نظر دادیم تا شهرام به این شکل درآمد. خط شکستگی روی سرم گذاشتند. گوشم را شکسته، ابروها را پرتر و موهایم را کوتاه کردند و... به این ترتیب وقتی در اولین دعوا، مخاطبان شهرام را می‌بینند که از شیشه شکسته بیرون می‌زند تا حد زیادی برایش باورپذیر است.

شنیدیم برای این نقش وزن کم کردید.

تا الان ۹ کیلو. البته چیز خاصی نیست چون مدتی پیش که در رسانه‌ها گفته شد هفت کیلو کم کردم، خیلی‌ها مسخره کردند و گفتند در هالیوود ۲۵ کیلو وزن کم می‌کنند و بعد خبر می‌شود. هفت کیلو را که با یک ماه سالاد خوردن می‌شود کم کرد. (می‌خندد) سکانسی که در قسمت اول در یک کوچه می‌آیم، اولین سکانسی است که تصویربرداری کردیم. در آنجا شکمم مشخص است و دکمه‌ام درست بسته نمی‌شد. شکم‌بند بستم اما دیدم خوب درنمی‌آید برای همین رژیم گرفتم.

صحنه‌ای که در ترشی داخل جوی می‌افتد و باید دستتان را در زباله‌ها می‌کردید، چقدر برایتان چالش برانگیز بود؟ چون احساس بد به خوبی در میمیک صورت‌تان دیده می‌شد.

به عنوان بازیگر باید آن حس و حال را منتقل می‌کردم اما در واقعیت طراح صحنه و دیگر همکاران کمک زیادی کردند. جوی را چند بار شستند. تانکر آب آوردند که در جوی، آب بریزد. بعد جلوی راه آب را بستند در آن سبزی خرد کردند و تکه پارچه تمیز در آن انداختند، وگرنه پول آن قدر ارزش ندارد که دستم را به خاطرش در جوی کنم (می‌خندد.)

رابطه شهرام با پدرش شکراب است اما او همچنان احترام پدر را نگه می‌دارد. شما و آقای لولایی چطور در اجرا به طراحی این ارتباط رسیدید؟

خوشحالم این را می‌گویید. قصدمان همین بود که این رابطه درست دربیاید. می‌خواستیم اگر صدایشان روی هم بلند می‌شود که البته شهرام این کار را نمی‌کند باز ته مایه احترام به بزرگ‌تر در او وجود داشته باشد. این حال و هوا اگرچه کمرنگ شده اما همچنان وجود دارد. هنوز جلوی بزرگ‌تر پایشان را دراز نمی‌کنند.

البته نمی‌شود گفت احترام به بزرگ‌تر، چون شهرام فقط احترام بزرگ‌ترهای خانواده‌اش را دارد و به گوش دوست پدرش سیلی می‌زند.

یک دزد هیچ‌وقت ماشین پدرش را نمی‌دزد اما ماشین همسایه را حتی اگر پیرمرد باشد، می‌دزدد. این تعریف را هم می‌شود از شهرام ارائه کرد.

صحنه‌ای که شهرام وارد خانه شد و خواستگار رازد به دلیل آن حجم از عصبانیت این شخصیت و نحوه درگیری‌اش با خواستگار شاید درجه کمدی شدن سکانس را بالا برده باشد اما گل درشت از آب درآمده است.

تازه می‌خواستم خشونت بیشتری در این سکانس وجود داشته باشد، چون او روی عمه‌هایش تعصب دارد و اصلا دوست ندارد خواستگار در خانه را بزند. تازه می‌شنود که خواستگار به او ناسزا می‌گوید و برای همین عصبانی می‌شود و حمله می‌کند. البته من هم اوایل که خیلی با شخصیت مأنوس نشده بودم، بازی اغراق شده داشتم اما علیرضا نجف‌زاده کنترل می‌کرد و نمی‌گذاشت بازی‌ام گل درشت شود.

خودتان بیننده سریال هستید؟

اگر شب کار نباشم در تلویزیون دنبال می‌کنم و اگر آن ساعت نتوانم بعدا از تلوبیون می‌بینم.

بازخوردها چطور بوده است؟

پیام‌های خوبی از دوستانم دارم. در صفحه اینستاگرامم هم بازخوردهای خوبی از مردم می‌گیرم. می‌توانم بگویم از ۱۰۰۰ پیام، ۹۹۰ تای آن تعریف است. بقیه هم حق دارند که کار را دوست نداشته باشند. از ابتدا هدفمان ساخت یک سریال کمدی نبود. مثل زندگی عادی، مردم ممکن است بخندند یا غمگین شوند. در اینستاگرام مردم با بازیگران تعارف ندارند ولی با این حال بازخوردها خوب بود.

واکنش‌تان در برابر بازخوردهای منفی چیست؟

هیچی. حق دارند.

در این سریال با عباس جمشیدی‌فر، زوج خوبی شده‌اید. چقدر با هم تمرین داشتید؟

سال‌هاست با عباس دوست هستم و جنس شوخی‌های هم را می‌شناسیم. احساس و روح شوخی‌ها جلوی دوربین هم تأثیر می‌گذارد و راحتی بیشتری به ما می‌داد. عباس بازیگر شرینی است و کارهای خوبی در کارنامه‌اش دارد. در اینجا به او گفتم همه بار کمدی روی دوش تو باشد و تو مردم را بخندان. من این بار می‌خواهم تلخ باشم. دلیلی ندارد شهرام بخنداند. عادت به همیشه گل زدن ندارم. در پایتخت هم همین‌طور بود. یک بار من گل را می‌زدم و یک بار بهرام، محسن، نسرین نصرتی و.... اگر پاس گل بدهم و شخص دیگری گل بزند، راضی هستم، چون کلیت آن صحنه خوب شده و در نتیجه همه بردیم.

نمی‌گیریم. موضوعی که برای من اهمیت دارد و پیگیر آن در بازی‌هایم هستم، پیام سریال است. دلم می‌خواهد پیام درست به مخاطب انتقال بدهیم. آقای نجف‌زاده واقعا برای کار خیلی زحمت کشید و اضافه‌های نقش ما را می‌گفت تا قصه روایت‌کننده زندگی باشد.

شما که جزو هنرمندان پیشکسوت و میانسال هستید؛ چرا برای این گروه سنی نقش‌های پررنگ نوشته نمی‌شود و معمولا در نقش‌های فرعی دیده می‌شوند؟

قبل از پاسخ دادن به سؤال شما باید بگویم من پیرزن هستم نه میانسال! مگر پیرزنی چه ایرادی دارد که از این واژه استفاده نمی‌کنیم. نباید از پیرزنی ترسید. به هر حال برهه‌ای از زندگی است. بنابراین من به پیرزن بودنم افتخار می‌کنم و باید این واژه را در فرهنگ خودمان جا بیندازیم. درباره سؤال شما باید تاکید کنم که من به یک چیزی خیلی اعتقاد و ایمان دارم که نقش کوچک وجود ندارد. برخی هنرمندان می‌گویند نقش خوب به ما نخورد. در حالی که این ما هستیم باید خودمان را برای نقش نشان بدهیم. بازیگر باید نقش را پرورش بدهد و آن را صاحب شناسنامه کند. شما می‌توانید با اجرای درست یک نقش کوچک، خودتان را در کار بزرگ نشان بدهید.

نجف‌زاده: من در ادامه صحبت‌هایشان باید تاکید کنم ایشان قبل از ورود به سریال ما، دو مجموعه قبلی من را دیدند تا نسبت به کارم شناخت داشته باشند. این نشان می‌دهد که خانم سپاه‌منصور چقدر باانگیزه کار می‌کند و کار برایش اهمیت دارد. من از او درس اخلاق و حرفه‌ای‌گری یاد گرفتم. ما حتی برای نقش‌های بسیار کوچک هم از نابازیگران استفاده نکردیم و همه از چهره‌ها انتخاب شدند. همچنین به دوستان خودمان پیشنهاد می‌کنم که در خانه پیشکسوتان را بزنند و آنها را وارد کار کنند. حتی شده چند صحنه با حضور آنها ضبط شود که برکت کار هستند.

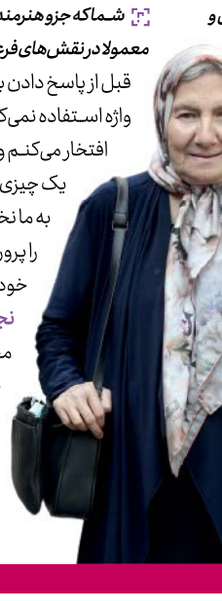

می‌شناسند

با اسکن این کد با موبایل خود فیلم مصاحبه را مشاهده کنید

شما را با آن می‌شناختند؛ زنی غمگین و همسر یک . با انتخاب یک نقش با رگه‌هایی از کمدی خواستید یی فرمی‌تواند در نقش‌های متفاوت ظاهر شود؟

پونه: قطعا. آقای نجف‌زاده هم تمایل داشتند برخی می‌گویند شیرین و اهل خانه است، دیده . این اولین باری بود که نقشی شیرین بازی کردم رینی بدون این‌که نقشم کمدی باشد،

ستید و بازخوردها را در فضای مجازی و ید؟

را هم می‌بینم.

پاقرص سریالمان همین خانم

گویم که هنوز کسی من را در

و را خواهند شناخت.

دهد. حتی شده با همکاران و گفتند بازیگران خوشنام فضای مجازی بازخوردهایی

را که مردم در سایر صفحات می‌دهند، می‌خوانم؛ چون معمولا در صفحات خودمان تعریف می‌کنند اما زیر پست‌های سریال در دیگر صفحات بیشتر نظرات واقعی‌شان را می‌نویسند. نظرات مثبت و منفی وجود دارد اما غالبا با سریال همراه شدند چون بعد از مدت‌ها یک سریال رمضانی خانوادگی را می‌بینند که فضای خانوادگی، گرم و ایرانی دارد و می‌توانند با آن همذات‌پنداری کنند.

شخصیت پونه چقدر شبیه دخترهای امروزی است؟

رجایی‌فر: شاید نباید بگویم اما کار من راحت بود چون همه جا شبیه پونه را می‌بینم. شبیه او را سر کار، میان فامیل و دوستان مدرسه‌ام که بعد بازگشت به ایران دوباره آنها را دیدم، پیدا می‌کنم. جالب است اطرافیان‌مان که تماس می‌گیرند، می‌گویند پونه دقیقا دختری متعلق به همان محله و خانواده از آب درآمده است.

بعد از سریال پایتخت نقش‌هایی به شما پیشنهاد می‌شد که لهجه داشتند یا باید به زبان دیگری حرف می‌زدند. چه کردید تا از این پیشنهادها فاصله بگیرید؟

بعد از پایتخت زنده‌یاد الوند، نویسنده سریال که بسیار انسان محترمی بودند تماس گرفتند و گفتند، ببخشید تو را وارد این کلیشه می‌کنم اما نقشی هست که باید زبان بداند. می‌پذیری؟ معذرت‌خواهی کردم و گفتم نه. از همان موقع شروع شد تا سریال گاندو. همه را رد کردم تا پیشنهاد این سریال.

یادداشت

رادیو تلاوت شبکه‌ای جوان است

علی بخشی‌زاده

معاون صدای رسانه ملی

تقدیر رهبر معظم انقلاب اسلامی از شبکه رادیویی تلاوت، برگ زرینی در تاریخ افتخارات رادیو در ایران محسوب می‌شود. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در دیدار اخیر جمعی از قاریان و حافظان قرآن کریم با ایشان فرمودند: «بنده با رادیو تلاوت مانوسم الحمدلله، در زمان فراغت اغلب این رادیو را گوش می‌کنم، به قدری تلاوت‌های خوب در این رادیو وجود دارد که انسان واقعا خدا را شکر می‌کند. من خیلی اوقات وقتی تلاوت‌ها را می‌شنوم، خدارا شکر می‌کنم.» (۱۴۰۱/۰۱/۱۴) این بیانات، گویای پخش تلاوت‌های فاخر و هنرمندانه در این شبکه رادیویی است. به گونه‌ای که مخاطب این شبکه رادیویی معمولا با سفره‌ای رنگین و دارای بهترین قرائت‌ها از برجسته‌ترین قاریان ایران و جهان مواجه می‌شود. هر چند رادیو تلاوت از شبکه‌های جوان محسوب می‌شود و مدت زیادی از تاسیس آن نگذشته است اما با توجه به محوریت آیات مقدس الهی در آن و همچنین کارکنان خوش‌ذوق که با تلاوت به عنوان یک هنر ارزنده مواجه می‌شوند، در کنار برخورداری از یک آرشیو غنی سبب شده است در جایگاهی والا و قابل ستایش قرار بگیرد.

اما نکته مهمی که به بهانه تقدیر رهبری از رادیو تلاوت باید یادآور شد، اهمیت جایگاه و کارکرد رادیوست که معظم له پیش از این نیز به صراحت به این موضوع اشاره فرموده‌اند و تحسین اخیر ایشان از رادیو تلاوت، یک بار دیگر موید این موضوع است که با وجود گسترش جهان رسانه و در دسترس قرار داشتن انواع ابزارهای رسانه‌ای اما «رادیو» همچنان در جایگاهی ویژه و خاص خودش قرار دارد. با توجه به این‌که طی دهه‌های اخیر شاهد رشد و گسترش فضای رسانه و ظهور انواع رسانه‌ها در دسترس عموم مردم جهان هستیم، شاید در نگاه اول گفته شود، دوران رادیو گذشته اما این رسانه دارای خصایص و کارکردی اختصاصی است؛ رادیو با تمرکز بر صوت و با تکیه بر حواس شنیداری مخاطب، نسبت به خیلی دیگر از رسانه‌ها توان بیشتری برای برانگیختن قوه تخیل و احساسات مخاطب را دارد. به همین دلیل هم از رادیو به عنوان رسانه‌ای گرم یاد می‌شود که برخلاف خیلی از رسانه‌های دیداری و تصویری، به سهولت و با سرعت بیشتری با مخاطب خودشان ارتباط برقرار می‌کنند. همچنین رادیو، رسانه‌ای همراه با زندگی روزمره است و شنوندگان برنامه‌های رادیویی در هر شرایطی حتی در حین انجام کارهای روزمره می‌توانند با آن همراه شوند و از برنامه و پیام‌های آن بهره ببرند. اعطای آرامش و سلامت اعصاب و روان، یکی دیگر از ویژگی‌های خاص رادیو نسبت به دیگر رسانه‌هاست. برخلاف برخی از قالب‌های جدید، به خصوص شبکه‌های اجتماعی و اینترنت که عمدتا به عنوان مخل آسایش روانی شناخته می‌شوند، رادیو و عموما و به طور کلی، رسانه‌ای مهربان با اعصاب و روان مخاطبش است.

این قابلیت‌ها برای پخش برنامه‌هایی که محور اصلی آنها صوت است، برجسته‌تر به نظر می‌رسد. به طور مثال، درباره تلاوت قرآن کریم که اصل بر صوت و صدای قاری است، رادیو بهترین قالب و ظرفیت محسوب می‌شود. صدای جمهوری اسلامی ایران با درک این قابلیت‌ها، رنگین‌کمانی از شبکه‌ها و موضوعات متنوع را برای سلیقه‌ها و علایق گوناگون و درچارچوب مصالح فرهنگی و منافع ملی تدارک دیده است. تخصصی شدن شبکه‌ها باعث شده عموم مردم توان یافتن برنامه‌های مورد نظر خود در رادیوی کشورمان را داشته باشند. به همین دلیل نیز معاندان و دشمنان، در حوزه رادیو، ناکام مانده‌اند و سیگنال‌های آنها در مقابل وسعت و جذابیت شبکه‌های رادیویی ایران، محو و بی‌تأثیر شده است. توجه ویژه معاونت صدا به هنر تلاوت با تأسیس شبکه‌ای اختصاصی تحت عنوان رادیو تلاوت نیز از جمله اقدامات مثبت و کارشناسانه این معاونت است. شبکه‌ای که می‌تواند شنوندگان متدین و در جست‌وجوی معرفت و بصیرت را با زیباترین و کامل‌ترین تلاوت‌ها توسط معتبرترین قاریان در داخل و خارج از کشورمان سیراب سازد. البته حمایت رهبر فرزانه انقلاب از شبکه رادیویی تلاوت، مسؤولیت و رسالت این شبکه و معاونت صدای رسانه ملی را افزایش داده است و باید در پاسخ به بیان تحسین کننده رهبری معظم، تلاش رادیو تلاوت و همه شبکه‌های صدا برای ارتقای کیفیت و توجه به ارزش‌های فرهنگی، بیش از گذشته باشد.